



تیترو روز

دستور رئیس‌جمهور برای رایگان شدن هزینه اینترنت شبکه شاد
دانش‌آموزان و معلمان: اگه بالا بیاد هم دیگه عالی میشه!

مشورت مهدی طارمی برای انتخاب باشگاه پورتوی پرتغال با کارلوس کی‌روش
دارکوب: نکنه کی‌روش گفته بوده باید بری پور تسموت انگلستان؟!

فروش بلیت همه صندلی‌های هواپیما به جز دوریف آخر مجاز شد

ویروس کرونا: ای بابا، این قدر بدم میاد برم آخر هواپیما، ولی مجبورم دیگه!

وزیر میراث فرهنگی: تخت جمشید را با ۵ میلیون تومان بودجه نگهداری می‌کنیم
دارکوب: خوبه حداقل همیشه به رو تختی آبرومندانه برایش بخیرین!

سفیر چین در ایران: چین حاضر است یک سری از سریال‌های چینی را به صورت رایگان در اختیار ایران بگذارد
سفیر کره جنوبی: مگه از رو نعش من رد بشی!

روحانی: هیچ کشوری فکر نمی‌کرد مردم و دولت بتوانند تحریم‌ها را تحمل کنند و خم به ابرو نیاورند

مردم: خوش به حال شما، خم به ابروی ما نیاورد، به کمرمون آورد!

وزیر ارتباطات از مردم خواست مشکلات کیفیت اینترنت را به شماره ۱۹۵ گزارش کنند
دارکوب: بعد اون شماره به کجا دایورت می‌کنه؟!

بورس قرمزپوش شد

بورس: با سیلی صورتو سرخ نگه داشتیم!

کله چغوکی

آق کمال شله می‌خورد؟!

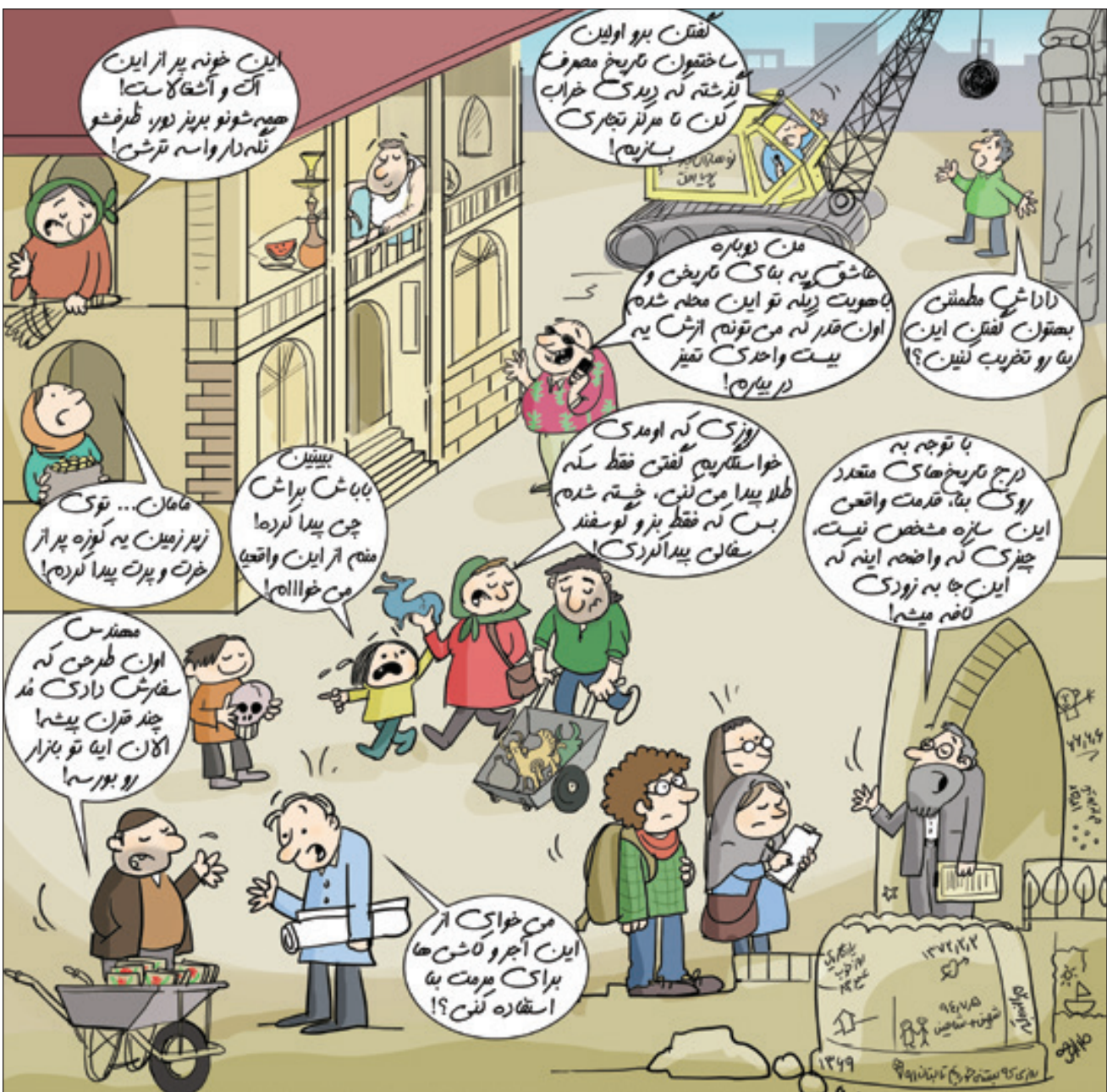


آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

باور مکتبن از وقتی کرونا ی کوفتی شروع رفته، ما یگ وعده غذای بیرون نخوردم؟ حالانه که هر هفته طریقه شاندر پای بساط شیشلیک و دیزی یوادم، نه، هم یگ ساندویچ کیفیف دونون هم نتسستم بخورم. غذا که خوبه، کاملیا خانم حتی اجازه نمده شیرینی بخرم، فوقش حق درم پادرازی بسته بندی بیگیرم و یگ هفته بهش دست نزنم و بعد بخورم. بری همی داغ یگ قاشق شله مشتی به دلم مانده بود، مویی که شله کمتر از سه بشقاب نمخوردم، الان یادم نمیه آخرین بار کی بوش به دماغم خورده. یعنی جوری شده که حتی همو شله‌هایی که به جای گوشت توش شلهه پرت و پورت مزدن و جوز هندیش انقدر زیاد بود که نمشد بهش نزدیک شد و خوب چُمیه نخورده بودو با لوبیاهاش مشد یک قل دو قل بازی کرد، حاضرُم بری همونا هم سه ساعت تو صف واستم، چی برسه به شله محشر. تا ای که هفته پیش مسودر فیقم پیام داد که: «داش کمال، شب خانه‌ای سورپرایزت کنم؟» جواب دادم: «بستگی دره سورپرایزت چی بشه! فورزی زد: «شله! یعنی چشمم سیاه تاریکی رفت. حتی از دیدن اسمش هم دلم قبلی ویلی رفت. دهنم پر آب رفت و فکری شدم که نوشابه مشکي ندارم و باید نون سنگک و سبزی خوردن پخروم... که عیال پرسید: «چی شده؟ حالت خوبه؟» از رویا در آمدم و با ذوق جریان ره برایش توضیح دادم. خیلی ریلکس گفت: «بهش بگو ممنون ما نمی‌خوایم، قبول باشه» انا حالا خوب رفت! دنیا رو سزم خراب رفت. گفتم: «بری چی؟ مدنی چندوقته شله نخوردم؟» عیال بالحن خودم گفت: «مدنی کرونا آمده؟! بیا و در ستنش کن! هم خنده ام گیرفته بود و هم حرصی شده بودم، گفتم: «جیگر جان، مسودره که مِشناسی، مطمئنه» عیال پوز خندی زدو گفت: «چون می‌شناسمش گفتم لازم نیست برامون شله بیاره!» سرتانه درد نیازم، یگ ساعتی چک و چانه زدم تا عیال قبول کرد که مسود شله بیاره. مویم با عایت پروتکل‌ها اول با احتیاط ظرفشه گیریفتم و بعد عوضش کر دمو بعد خوب داغش کردم تا بشه بخورم. خدا شان قبول کنه، با ای که از همو شله‌هایی بود که تا پار سال بهش لب نمزدم، ولی جاتان خالی خیلی چسبید. حتی با ای که عیال از بس گرمش کرده بود، ته گیرفته بودو ته‌دیگش کنده نمرفت!

ماو میراث فرهنگی مان!



کار نویسند: طراوت نیکو

سوزه روز

این فوتبال همه‌اش ضرره!

اولی: نه در باره اتفاقات داخلی فوتبال ایران. همون طور که می‌دونید تیم‌ها فعلا از خرید بازیکن و مربی خارجی منع شدن.
دومی: ای بابا! یعنی دیگه شاهد اومدن بازیکن خارجی که تو کشور خودش بیکار مونده، بازی نکردنش، موندن بد هیش به گردن باشگاه‌ها و شکایت و شکایت کشی نخواهیم بود؟
سومی: همون بدهی‌های قبلی به جوری تلنبار شده که تا چند سال دیگه هم هیچ بازیکن خارجی نیاد، باز شکایت به اندازه کافی داریم که کمد شکایت‌های فوتبال ایران توفیقا خالی نمونه.
اولی: حالا بشنوید که همین موضوع باعث شده بازیکن‌های داخلی قیمت خودشون رو بالا ببرن و

رقم‌های میلیاردی طلب کنن.
دومی: پس احتمالا داریم به سمتی می‌ریم که باشگاه‌ها نه داخلی بتونن بخرن نه خارجی.
سومی: چیه این فوتبال ما واقعا همه‌اش ضرره. به قول استاد مایلی کهین، من اصلا این فوتبال رو نمی‌خوام. (به پهنای صورت اشک می‌ریزد)
اولی: دوستان خواهش می‌کنم احساسات خودتون رو کنترل کنین. اصلا ولش کنید این حرف‌ها رو. همچنان تو خونه بمونید و پروتکل‌ها رو رعایت کنید.
مسئول صفحه: چند وقت نبودین، به نفس راحتی می‌کشیدم از نبودن این پیام‌های بهداشتی تابلو و گل درشت شماها!



تاج: چقدر دلم برای این ویلموتس بلا گرفته تنگ شده...

بچه‌ها همه جارو خوب بگردین، مبادا آشفالی با خودمون برگردونیم شهر!



مان در خانه تا حد امکان که ویروسی ست بازار و خیابان روانی کرده‌ای ویروس را تو مرنجان گادر مرنجان!

کار نویسند: مسعود ماهینی، شاعر: بهار نژاد

فال روز

ای صاحب فال، با الان دانش آموز و دانشجو هستی، با قبلا بودی (شما اکنون شاهد یکی دیگر از پیشگویی‌های ما بودین!) مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها باز می‌شوند و حال و هوای این روزها برایت یادآور جلد کردن دفتر و کتاب و اتو کردن لباس روز اول مدرسه و دانشگاه است. البته امسال اگر حضوری سر کلاس می‌روی، باید علاوه بر دفتر و خودکار و تغذیه، ماسک و اسپری هم توی کیف‌ت بگذاری. خلاصه این که مدرسه‌ها و همیشه، همه‌همه برپا میشه، بی حضور کرونا، مدرسه‌زیا میشه! ببین کی بود گفتم.

شعر روز

پساکنکور!

بعد کلی استخار، بعد عمری انتظار عاقبت کنکور شد در موعد خود بر گزار گفته شد باید نترسید از کووید نوزده کار ما بیست است! نگذاریم گرد انتشار آی مسئول عزیزی که نشستی پشت میز می‌کنی تعیین تکلیف، البته با افتخار یک زمان گفتی عقب افتاده امسال آزمون چون که باشد وضع قرمز، هر کجای این دیار بار دیگر کردیش تکذیب پشت میکروفن گفتی اوضاع کنونی هست قدری پایدار هیچ می‌دانی که بازی می‌کنی با جان ما می‌کنی بابای ما را عاقبت تو داغدار! جان به در بریدم ما هر چند از این آزمون استرس ما را کشد امسال در پایان کار تازمان انتخاب رشته، جان مادر ت باش ساکت! باش ساکت! بنده را راحت گذار! مجید رحمانی صانع

واکنش علی کریمی به دست‌زد و جریمه ویلموتس

ما که داریم بی نهایت پول مفت مشتلی دادیم به هر گردن کلفت گاه کی روش است و گاهی ویلموتس نیست فرق در میان طاق و جفت پول ملت را بخوردند و سپس هر یکی رفت و روی نیمکت بخت تا کریمی این خبر را شب شفت روبه روی تاج با لبخند گفت: این قرار دادی که تو بنوشته‌ای پنبه را با پنشم شیشه رشته‌ای!

یار محمد خدنگی

منظره مردم و مسئولان

یکی از هموطنان:

گرفتار و له و خر دو خمیرم به دنبال کمی نان با پنیرم گرانی، قیمت بنزین و مسکن در آورده صدای جیر جیرم! یکی از مسئولان: گرانی‌ها، تورم هادر و غ است فقط تیر مجلات شلوغ است چرا این جا اکاذیبی نوشید؟ گرفتاری چه کشک است و چه دوغ است؟! ارسالی مخاطب: الهه ایزدی



عینک جادویی آدم معروف‌ها

نوع: تک فروشی و فله
قیمت: ده درصد بیشتر از بالاترین قیمت توضیحات: چند عدد عینک مشاهیر مرده و زنده، به صورت کلی یا جزئی به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شود. عینک‌ها متعلق به آلبرت اینشتین، پروفسور حسابی، دکتر سمیعی، دکتر کخ، مهندس بالتازار (داداش) پروفسور بالتازار و چند شخصیت مهم دیگر است که خودشان به بنده یادگاری داده‌اند. مزیت عینک‌های اورجینال این است که با استفاده از آن‌ها ناگهان تبدیل به دانشمند می‌شوید. می‌گین نه؟ بیاین بخیرین تا بفهمن. ممنون از دیفال